

فصل نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۲، پیاپی شماره ۴۴، تابستان ۱۳۹۹، صص ۶۷ تا ۹۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۷/۱۹، تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۴

گلشن کرمانی تقلیدی دیگر از گلستان سعدی

سید یعقوب حسینی^۱، دکتر مریم محمودی^۲، دکتر پریسا داوری^۳



چکیده

در ادب فارسی آثار ارزشمندی وجود دارد که هدف از نگارش آنها، هدایت انسان و هموار کردن مسیر او برای زندگی سالم و بهتر است. نویسندگان و شاعران همواره کوشیده‌اند تا مبانی و مفاهیم اخلاقی را در قالب زبانی زیبا و تأثیرگذار بیان کنند. سعدی چون معلم اخلاق، بر آن بوده تا انسان‌ها را از جهل خود آگاه سازد و راه درست را به آنان نشان دهد؛ از این رو آثار وی همواره مورد توجه نویسندگان و شعرای ادب فارسی بوده است. محمدرحیم کرمانی از نویسندگان و شاعران قرن سیزدهم هجری نیز در کتاب گلشن از مضامین و روش و سبک سعدی تأثیر پذیرفته است. این پژوهش که به روش تحلیلی - تطبیقی انجام شده ضمن معرفی نسخه خطی گلشن به تطبیق وجوه اشتراک آن با گلستان سعدی پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که پیروی از سبک سعدی در گلشن با نگاهی هنری، خلاقانه و ادیبانه صورت گرفته است و استفاده از سجع و آرایه‌ها و تشبیهات بر پایه معیارهای فصاحت و بلاغت شکل گرفته است. کلام وحی و احادیث نبوی یکی از منابع الهام بخش در گلستان و گلشن است. کرمانی کوشیده است، با داستان‌پردازی و یا استفاده از بیانی سحرانگیز چون سعدی، مفاهیم متعالی را به مخاطب عرضه دارد. مضامین مشترک گلشن با گلستان عبارتند از: شکرگزاری، نعت پیامبر، توجه به عقل، پرهیز از خشم و حسد، عدالت‌ورزی و نصیحت پادشاهان

کلید واژه‌ها: سعدی، محمدرحیم کرمانی، گلشن، گلستان، تقلید.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

Y.hoseini64@gmail.com

^۲ دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول)

mmahmoodi@dehaghan.ac.ir

^۳ استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

parisa.davarii@gmail.com

قرن سیزدهم هجری قمری و حکومت قاجار سرآغاز تغییرات و تحولات بزرگی در حوزه ادبیات فارسی محسوب می‌شود. بازگشت ادبی در نظم و نثر از دوره زندگی آغاز شده بود. شاعران عهد کریم خان سبک هندی را به سبک عراقی تبدیل کردند و پس از آن در عهد فتحعلی شاه قاجار سبک خراسانی جایگزین سبک عراقی شد. عواملی مانند نشر کتاب‌های خطی بسیار در بین مردم، تشویق دولت و توجه علمای دین به ترقی و باسواد شدن و خلق امنیت و رواج فن چاپ، در این دوره سبب ایجاد هرج و مرج در نثر فارسی شد. اما هرچند دوره قاجار با هرج و مرج در سبک نثر فارسی آغاز شد و عده‌ای به پیروی از نثر فنی و مصنوع پرداختند، اما بر اثر تلاش و کوشش نویسندگانی مانند قائم مقام فراهانی، امیر نظام گروسی، میرزا محمدتقی سپهر، عبدالطیف طسوجی، طالبوف و عده‌ای دیگر از نویسندگان توانا، بتدریج نثر فارسی از لفافه پیچیدگی‌های لفظی و معنوی بیرون آمد و ساده‌نویسی رواج یافت.

گلستان سعدی از همان زمان نگارش تأثیر زیادی بر ادبیات فارسی داشته است و آثار بسیاری به تقلید از آن پدید آمده است؛ از جمله این آثار تقلیدی می‌توان به نزه الارواح امیر حسینی هروی، روضه خلد مجد خوافی، اخلاق الاشراف عبیدزاکانی، نگارستان معین‌الدین جوینی، بهارستان جامی، انیس‌العاشقین سید حسین ایبوردی، روضه الشهداء و اخلاق محسنی از ملاحسین واعظ کاشفی اشاره کرد.

در عصر قاجار تقلید از گلستان بیشتر شد؛ برخی از آثاری که در این دوره به تقلید از گلستان خلق شد عبارتند از: سنبلستان از محمود میرزا قاجار، حجله خیال از عبدالباقی نوسوی اصفهانی، پریشان قآنی، گنج شایگان از ریاض بروجردی، شکرستان از علی محمد منشی، منشآت فاضل خان از امیر نظام گروسی، منشآت فرهاد میرزا، انجمن دانش از وقار شیرازی و.. البته نمونه خوب و موفق تقلید از گلستان در این عصر، منشآت قائم مقام فراهانی است. قائم مقام یکی از نویسندگان مطرح این روزگار است که پیروی از گلستان سعدی را بار دیگر رواج داد.

در این مقاله نویسندگان می‌کوشند یکی از این آثار تقلیدی یعنی «گلشن» اثر محمد رحیم کرمانی، از نویسندگان عصر قاجار را معرفی و میزان تأثیر پذیری آن را از گلستان تبیین نمایند.

پیشینه تحقیق

نسخه خطی گلشن تاکنون تصحیح نشده و پژوهشی نیز درباره آن انجام نگرفته اما درباره تقلید از گلستان مقالات بسیاری نوشته شده است از جمله:

۱. «تبع در گلستان سعدی» (۱۳۵۲) احمد منزوی در این مقاله به معرفی آثار (چاپی و نسخ خطی) که به تقلید از گلستان تالیف شده، پرداخته است.

۲. «بررسی و مقایسه محتوایی و بلاغی بهارستان جامی با گلستان سعدی» (۱۳۸۷) نویسندگان این تحقیق معتقدند: «نگاه به آثار تقلیدی از گلستان، نشان می‌دهد که توجه مقلدان بیشتر به ظاهر کتاب و طرز تنظیم و حتی نام‌گذاری آن معطوف بوده است و هیچ یک از آنان نخواستند یا نتوانسته‌اند روح زبان سعدی را درک کنند و هنری را که زبان وی را چنین زنده و پر احساس ساخته است بشناسند. در این میان بهارستان جامی نیز چنین وضعی دارد و بررسی هر دو اثر از لحاظ محتوایی و سبکی و بلاغی در این مقاله نشانگر این است که بهارستان با گلستان قابل مقایسه نیست و فقط تقلیدگونه‌ای است از اثر جاودان شیخ سعدی» (مطفری، گودرزی، ۱۳۸۷: ۵۰).

۳. «مقایسه سبکی منشاء قائم مقام و گلستان سعدی» (۱۳۸۹): به گفته نویسندگان این مقاله: «از جوه مشترک سعدی و قائم مقام می‌توان به استفاده به دور از تصنع از زیورهای کلامی از قبیل سجع، ترصیع و موازنه و نیز بهره‌برداری از آیات و احادیث و استفاده بجا از اشعار و امثال و زبان زنده و پرتحرک اشاره کرد» (علامی، کیانیان، ۱۳۸۹: ۸۹).

۴. «بررسی تطبیقی عناصر داستانی گلستان سعدی و روضه خلد مجد خوافی» (۱۳۹۵) در این مقاله زبان، سبک، شخصیت‌ها، پیام و محتوا و نیز برخی از عناصر داستانی موجود در حکایات گلستان سعدی و روضه خلد مجد خوافی مقایسه و تحلیل شده‌اند که نتیجه آن وجود برخی تفاوت‌ها و شباهت‌های دو اثر را نشان می‌دهد. (ر.ک. دهنمکی، خدایاری، ۱۳۹۵: ۶۵)

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، بخش معرفی نویسنده و نسخه خطی گلشن به روش کتابخانه‌ای و بخش

بررسی تطبیقی نسخه با گلستان سعدی به روش تحلیلی - تطبیقی انجام گرفته است.

مبانی تحقیق

محمد رحیم خان کرمانی شیخی (۱۳۰۷-۱۲۴۸) فرزند محمد کریم خان کرمانی در کرمان متولد شد. او فرزند ابراهیم خان ظهیرالدوله پسر عم و داماد فتحعلی شاه است که حاکم کرمان بود. ابراهیم خان سومین مقتدای سلسله شیخیه کریم خانیه و باقریه بعد از حاج سید کاظم رشتی است که پیشوایی این مکتب را بر عهده گرفت. (رک: مشکور، ۱۳۸۷: ۴۰) بنابراین او سومین بزرگ شیخیه محسوب می‌شود. محمد رحیم خان بعد از فوت پدر به کربلا رفت و در سلک شاگردان او درآمد و به سبب استعداد و لیاقت ذاتی در علوم ائمه اطهار مورد مرحمت جناب سید کاظم رشتی واقع شد که این موضوع از نامه‌های سید کاظم رشتی به ایشان کاملاً آشکار است و از استاد خود و بسیاری از علما نیز اجازه‌های متعدد داشت و در زمان استاد و پس از او کتب فراوان که بالغ بر دویست و شصت جلد کتاب است تصنیف نمود. (ر. ک. کرمانی، ۱۲۹۰: ۳-۶).

«گلشن» یکی از آثار محمد رحیم کرمانی، نسخه‌ای خطی است و تاکنون به چاپ نرسیده است. موضوع این اثر اخلاق است. نویسنده در دیباچه، در سبب تالیف کتاب گوید: «چون روزگار ناپایدار به غفلت و بطالت درگذشت و از خویش مایه و پایه‌ای که بدان خوش‌دل توان بود حاصل نگشت لهذا از آن خوشتر ندیدم و بهتر نپسندیدم که توانگران را دست به دامن زنم و توشه برم و چشم به خرمن دارم و خوشه چینم که آن‌کس که گدا خواست توانگر گردید. مختصر خوشتر عاقبه‌الامر به مصداق «الصدقُ أمانه و الکذبُ خیانه» امانت را بر خیانت بگزیدم و بزرگان و نیکان را پیرو دانش و گزارش گردیدم و قصصی چند را که مایه عبرت و خُبرت بود، گردآورده، نگاشتم و به پاره‌ای از حکم و امثالش توأم داشتم...» (همان: ۳).

نسخه خطی گلشن دارای یک دیباچه و مشتمل بر دو قسمت و هر قسمتی مشتمل بر هفت گلبن است: گلبن اول از قسمت اول در شرح نفعه‌ای از نفعات فضایل و شمایل سید عالم و آدم حضرت خاتم - صلوات الله علیه و آله و سلم - ، گلبن دُیم در ذکر برخی از

سیرت و اطوار ائمه اطهار - علیهم سلام الله الملك الجبار-، گلبن سیم در ذکر برخی از محاسن آداب و اطوار انبیای بزرگوار - علی نبینا و آله علیهم السلام-، گلبن چهارم در ذکر لختی از خوی دانشمندان و خصال حکیمان، گلبن پنجم در ذکر برخی از حالات صلحا و عبّاد، گلبن ششم در ذکر برخی از حال خیر مآل سایر اصناف خلق، گلبن هفتم در ذکر برخی از تمثیلات حکمت آمیز است.

گلبن اول از قسمت دوم در ایضاح حکمت آمیز و مواعظ عبرت انگیز، گلبن دیم در ذکر تنبیهات عبرت اشارات، گلبن سیم در ذکر برخی از تمثیلات عبرت عبارات، گلبن چهارم در ذکر برخی از نصایح و مواعظ، گلبن پنجم در برخی از علامات، گلبن ششم در کلیات علم طریقت و سپاس حقیقت، گلبن هفتم در خاتمه کتاب است.

عناوینی که نویسنده در ذیل هر گلبن برگزیده عبارتند از: غصن، تمثیل، حکمت، تنبیه، نصیحت و علامت. این کتاب شامل بیست و پنج تمثیل، صد و هجده تنبیه، دویست و پنجاه و سه حکمت و هفتاد و پنج غصن است. در فنخا از این کتاب نسخه‌های زیر معرفی شده است:

- کتابخانه مجلس. شماره ۱۴۸۴۲. سال کتابت ۱۲۹۰. کاتب: حاج یوسف علی شیرازی.
- کتابخانه احیاء قم. شماره ۳۸۴۸. سال کتابت ۱۲۸۲. کاتب: جمعی از مولفان.
- کتابخانه ملک. شماره ۳۷۸۲. سال کتابت ۱۲۹۵. کاتب: حسین بن ابراهیم موسوی.
- کتابخانه ملک. شماره ۳۶۹۱. سال کتابت ۱۲۹۷. کاتب (نامشخص)..
- کتابخانه آستان قدس رضوی. شماره ۳۶۶۵. سال کتابت ۱۲۹۳. کاتب: (نامشخص).
- کتابخانه مدرسه شاه عظیم (تهران). شماره ۱۸۸. سال کتابت ۱۳۰۹. کاتب: (نامشخص).
- کتابخانه وزیری یزد. شماره ۸۸۵. سال کتابت ۱۲۹۴. کاتب: (نامشخص).
- کتابخانه امام عصر شیراز. شماره ۱۶۸. سال کتابت ۱۳۰۶. کاتب: (نامشخص).
- کتابخانه امام صادق (قم). شماره ۱۰۳. سال کتابت ۱۳۱۱. کاتب: (نامشخص).
- کتابخانه نور بخش تهران. شماره ۵۷۹. سال (؟). کاتب: سید عبدالحسین.
- کتابخانه بمبئی هند. شماره (؟). سال چاپ ۱۳۰۵. کاتب: (نامشخص).

تحقیق حاضر بر اساس نسخه شماره ۱۴۸۴۲ به کتابت حاج یوسف علی شیرازی در سال ۱۲۹۰ که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود، انجام شده است.

«گلستان از آن زمان که در افق ادب فارسی جلوه‌گر شد، محبوب و شایسته تقلید معرفی گردیده است و هر کسی که مایه ذوقی داشته، خواسته است بر نمط شیخ دفتری سازد یا دست کم سخنی پردازد و اگر فرومی‌مانده به درج و اقتباس کلمات شیخ دل را تسلی می‌داده و بر آستان افصح المتکلمین از سر عجز سر می‌نهاده است» (خزائلی، ۱۳۶۳: ۱۱). مقلدان سعدی به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- نویسندگانی که بطور آشکارا از سعدی تقلید کرده‌اند. ۲- نویسندگانی که در نگارش خود تنها ناظر به گلستان بوده‌اند؛ اثری به نثر مسجع ساخته‌اند آمیخته به نظم و حکایت‌های پندآمیز در حالی که اذعان می‌کنند که مقلد سعدی هستند. ۳- نویسندگانی که به نحوی تحت تاثیر سعدی هستند اما خود به این امر معترف نیستند و ناخودآگاه تحت تاثیر گلستان بوده‌اند. (ر.ک. منزوی، ۱۳۵۲: ۱۶۷) «گلشن» محمد رحیم کرمانی، در گروه سوم جای دارد.

بحث

قریحه و استعداد هنری خاص سعدی برتری قاطعانه او را نسبت به پیروانش نشان می‌دهد. سبک و زبان و شیوه نگارش وی ویژگی‌هایی است که مقلدان را از ورود به حریم او منع کرده است. مقلدان گلستان بیشتر به ظاهر کتاب و طرز تنظیم و تبویب و نام گذاری آن توجه داشته‌اند و گلشن محمد رحیم کرمانی هم از این قاعده مستثنی نیست. از آنجا که هدف اصلی ما در این قسمت از مقاله مشابهت‌های گلشن کرمانی و گلستان سعدی است، لذا در سه سطح به این مساله اشاره می‌شود: تاثیرپذیری در سبک و روش نویسندگی، تاثیرپذیری در ساختار کتاب، مضامین مشترک.

تأثیرپذیری در سبک و روش نویسندگی

پیروی از روش سهل و ممتنع

سهل یعنی آسان و ممتنع یعنی محال. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار سعدی، سهل و ممتنع بودن، آنهاست. معنی و مفهوم آثار سعدی به سادگی دریافته می‌شود و در ظاهر نگارش

چنین جملات یا ابیاتی ساده به نظر می‌رسد اما در عمل، تقلید یا پدید آوردن آثار مشابه دشوار یا غیرممکن می‌شود. (ر.ک. صیادکوه، ۱۳۹۰: ۷۹) محمدرحیم کرمانی هم کوشیده است از این شیوه تبعیت کند هرچند موفقیت سعدی را حاصل نکرده است، او در این باره می‌گوید: «هر یک الفاظ روایت را رعایت نکردم، بلکه حکایت را در همه جا سراپا ننگاشتم و به محل حاجت قناعت جستم و در بسیاری از موارد گفتار آسانی گرفتم و دشواری نهادم که «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النِّظَامِ وَ فَهْمَةُ الْخَاصِّ وَالْعَامِّ» و در پاره‌ای از موارد به سختی خواستم و آراستم و پیراستم تا آنان که درشت بر هموار پسندند و دشوار را بر سهل بپذیرند، خرده نگیرند» (کرمانی، ۱۲۹۰: ۵).

کرمانی، در عین تسلط بر زبان، از تکلف و تصنع دوری جسته و با این مهارت توانسته است، مطالب پیچیده را با زبانی ساده بیان کند. وی در متن کتاب گلشن برخلاف متکلف نویسان از اصطلاحات و عباراتی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دارند، به‌وفور استفاده کرده‌است. «صنایع و بدایع را چندان از پی نرفتم که عنان بیانم از دست رهاوند و بیهوده کشاند و فرسوده نشاند و اگر به ندرت ایراد کرده‌ام، مگیر که همین بس که سخن مکرر نیست و برخلاف دون‌طبعان و خسان فضلات کسان را به خرمگسان واگذاردم و گرد نیاوردم» (همان).

محمدرحیم کرمانی از واژگان دشوار و مهجور کمتر استفاده کرده‌است و گذشته از حسن انتخاب کلمات، سعی نموده تا ارکان جمله را در جای اصلی خود قرار دهد و به همین خاطر، فهم جملات وی در قالب شعر یا نثر آسان است که این بی‌شک از تقلید او از سعدی بر می‌آید:

از مایه مهر می‌نگاهد
هرچند به شوره‌زار تابد
گردون سیر است و عالم افروز
ز آن روی به هر کنار تابد
(همان: ۲۰)

تلفیق و ترکیب نثر و نظم

شیوه گلستان استفاده از نظم و نثر در کنار هم است و نظیر چنین روشی در متون فارسی پیش

از سعدی هم رایج بوده است. «اما رعایت تناسب میان نظم و نثر و چگونگی بهره‌گیری از شعر در درون متن چنان که بر تأثیر سخن بیفزاید، البته کمتر دیده می‌شود. نمونه‌چنین روشی را در کلیله و دمنه و پس از آن در گلستان می‌بینیم. در گلستان ۱۱۰۲ بیت شعر (شامل ۵۹۰ مورد) در لابه لای حدود ۱۹۲۰ سطر نثر درج و گنجانده شده است؛ یعنی در برابر هر دو سطر نثر یک بیت شعر و به قول ملک‌الشعرا بهار «صورت هر حکایت را به نثر و نظم چنان آراسته است که هیچ یک نپذیرد ز یکدیگر نقصان» (بهار، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۲۸). تلفیق نظم و نثر بر تأثیر کلام سعدی افزوده و ملال و خستگی را رفع می‌کند. متن کتاب گلشن نیز تلفیق و ترکیبی از نثر و نظم است. تعداد ابیات گلشن ۶۳۱ است که بیشتر آن‌ها از سروده‌های نویسنده است. از این تعداد ۴۲ بیت عربی و بقیه فارسی است. کارکرد ابیات را در گلشن می‌توان به موارد زیر تقسیم کرد:

- گاهی ابیات ادامه گفت‌وگوی شخصیت‌هاست: «پس خضر پیمبر - علی نبینا و آله و علیه‌السلام - گفت: تو از این فرقه نکته‌ای را پرسی که از آن بی‌خبرند.

نه هر داننده هر مجهول داند نه هر غازی زبردستی تواند
منجم داند اختر را که چون است که او را بهره‌ای چند از فنون است
چه داند نبض را چون است رفتار مرض را کی تواند یافت ز آثار

حکمت این سنگ درخور دانش و فرهنگ من است. پادشاه آگهی خواست خضر ترازو را برگرفت و آن سنگ را در کفه‌ای از وی نهاد و سنگی دیگر مانند آن در برابر و کفی از خاک برگرفته به فراز آن سنگ ریخت که به همراه ذوالقرنین بود آن‌گاه ترازو برابر شد» (کرمانی، ۱۳۹۰: ۴۷).

- گاهی ابیات نتیجه اخلاقی حکایت و تأکید بر موضوعات آن است و این مورد بیشتر ابیات حکایت را در برمی‌گیرد: «شخصی از حضرت مجتبی - سلام الله علیه - سؤال کرد و نوال خواست. آن بحر کرم فرمود که چهارصد درهم به انعامش نویسند. نویسنده به اشتباه بر جای درهم دینار نوشت. چون نوشته را به حضور آوردند تا مزین دارند فرمود: این عطای نویسنده است پس چهار هزار درهم افزود و مزین فرمود.

آن که جود از سخاش موجود است کم نبخشد چو از پی جود است»

(همان: ۲۴)

- گاهی ابیات برای تبیین و توضیح عبارت عربی می آید: «یکی از ملوک نکورفتار بود و پسندیده اخلاق و آوازه دانش و دادش آویزه گوش آفاق که «العدل قوام البریه و الظلم بوار الرعیه»

داد و کرم پیشه کن ای شهریار
زاده آدم چو بود راست کیش
تا دو جهان بر تو مسلم شود
پیش رو دوده آدم شود
عدل یکی چشمه، جهان کشتزار
کشت به سیرابی خرم شود

(همان: ۱۷۹)

نثر مسجع

از اواخر قرن پنجم در نثر فارسی تحولی ایجاد شد و نویسندگان کوشیدند با بهره گیری از سجع، موازنه، ترصیع و دیگر آرایه ها کلام خود را آهنگین نمایند. این حرکت منجر به مقامه نویسی در نثر فارسی شد که «نخستین بار با مقامات قاضی حمیدالدین بلخی در قرن ششم و به تقلید از اسلوب نگارش مقامه نویسی عربی، پدید آمد. این کتاب که در همان عصر مؤلف با اقبال و توجه فراوان روبه رو شد، از سوی مترسلان و نثرنویسان بسیاری مستقیم و غیر مستقیم نیز مورد تقلید قرار گرفت. چنین به نظر می رسد که سعدی، نیز با تألیف گلستان که نثر آن از نظر نوع انشا و اسلوب نگارش به مقامه شباهت دارد، در نگارش اثر خود از جهاتی به این اثر ادبی نظر داشته و از آن متأثر بوده است» (نورایی، ۱۳۹۳: ۱۴۱) سعدی با موازین سجع و موازنه در علوم بلاغی کاملاً آشناست و به نحوه بیان - بخصوص - آفرینش اثر ادبی بر پایه سجع و موازنه بها می دهد. کرمانی نیز در گلشن، به کیفیت بیان اهمیت داده و در میزان ژرفا و غنای معنا و مفهوم سخنش و ایجاد مطلوب هنری از سعدی تأثیر گرفته است. چنان که در متن گلشن رعایت سجع یکی از جنبه های مهم موسیقی و زیباشناسی محسوب می شود: «آفرینش را از کتم عدم آفرید و از پی بخشایش در ظل کرم پرورید و گروهی از خلق را برگزید و به اخلاق خویش متخلق گردانید تا نیک و بد را بشناسانند و خلق را به علت غایی ایجاد

رسانند. و درود نامعدود نثار وجودی مسعود - علیه و آله الصلوه من الله الملك الودود - باد که بی‌انباز و مانند است و با اخلاق خداوند حق را ستایش ذات است و گنجینه اسماء و صفات» (همان: ۵).

از جمله اهداف سعدی در استفاده از نثر موزون و مسجع، انتقال هر چه بهتر مفاهیم مورد نظر به مخاطب است تا ضمن انتقال پیام هنری به خواننده، مخاطب با موسیقی کلمات و تصویرآفرینی آن‌ها نیز مأنوس شود و حس اقناع وی بیش از پیش برانگیخته شود. آهنگی که از طریق سجع‌ها ایجاد می‌شود، باعث ماندگاری جم‌الات و زباززد شدن آن‌ها می‌گردد، سخنان را مطبوع و خوشایند می‌سازد و بر حسن تأثیرشان می‌افزاید: «جمله‌ها و کلمات پشت سر یکدیگر یک آهنگ دل‌نشین و نغمه شیرینی به وجود می‌آورند که پنداری زیر و بم ترانه‌های موسیقی است» (همایی، ۱۳۶۸: ۷۳).

نگاه محمدرحیم کرمانی نیز به نثر موزون و مسجع، نگاهی هنری، خلاقانه و ادیبانه است و بر پایه معیارهای فصاحت و بلاغت شکل گرفته است. «چون به دولت‌سرای می‌رفت اوقات خجسته ساعات را به سه قسمت می‌کرد پاره‌ای را از بهر عبادت مقرر می‌ساخت و نوبتی را با بستگان می‌پرداخت و قسمتی را از پی آسایش خویش می‌نهاد و این قسمت را صرف رعیت می‌کرد و رخصت می‌داد که بپرسند و حاجت طلبند. و به هنگام معاشرت آنان را که در دین همان مزیت و فضیلت بود مقدم می‌داشت...» (کرمانی، ۱۲۹۰: ۱۲-۱۱).

بهره بردن از قرآن و حدیث

سعدی شیرازی مانند بسیاری دیگر از نویسندگان و گویندگان ادب فارسی به گونه‌های مختلف از قرآن و حدیث بهره برده است. گاه از بخشی از آیه یا حدیث و گاه به معنی و مفهوم آنها اشاره می‌کند و گاه کلام خود را با تلمیح و اشاره ای به یک واژه و یا داستان قرآنی آراسته می‌سازد. کلام وحی و احادیث نبوی یکی از منابع الهام‌بخش در گلشن کرمانی نیز بوده و او با تبعیت از سبک سعدی، برای بیان پیام‌های اخلاقی به این منابع آسمانی استناد کرده است: «بر گذشته غم مخور و به آینده شاد مباش که لَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ [حدید/ ۲۳]» (همان: ۲۸۲).

«در ان هنگام خدایش به ندای یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ [فجر/۲۷] به جوار رحمت خود خوانده بود و از او مظهري بجا مانده بود که ما نَسَخُ مِنْ آيَةِ [۳۳۶] أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا [بقره/۱۰۶] و بر این وجد و طلب روزگاری جهد و تعبد برد تا آن که به حکم الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سُبُلَنَا [عنکبوت/ ۶۹] به تعریف و توصیف برخی نیکان که پیرو آن بزرگان بودند و متوطن آن سامان مردان خدا را نام و نشان دانسته از ایشان آگاه شد» (همان: ۳۳۷).

سادگی آرایه‌ها و تشبیهات

سعدی در آثار خود در کاربرد آرایه‌های ادبی زیاده روی نکرده است، به عنوان نمونه تشبیهات وی در عین هنری بودن، ساده و زیباست:

عمر برفست و آفتاب تموز اندکی مانده خواجه غره هنوز
(سعدی، ۱۳۷۷: ۵۲)

او درباره هنرنمایی خود در گلستان می‌گوید: «و قصب الجیب حدیثش که همچون شکر می‌خورند و رقعۀ منشآتش که چون کاغذ زر می‌برند بر کمال فضل و بلاغت او حمل نتوان کرد» (همان: ۵۱)

کرمانی نیز خود را درگیر آرایه و صنایع متکلف نکرده است و آرایه‌ها و تشبیهات وی، عموماً نزدیک به ذهن است و باعث ایجاد زیبایی شعر می‌شود:
زنبور نی‌ام بد خورم و نیش نشانم / نحلّم که خورم نیک و بدان نوش چشانم
(کرمانی، ۱۳۹۰: ۴)

او در این باره می‌گوید: «غالب آنچه در این دفتر به نظر می‌رسد، مضمون خبر و بیان حکیم است یا پسندیده طبع سلیم و پس از قصص و حکایات از تمثیل و تشبیه و حکم و تنبیه درجی پر گهر آوردم و بُرجی از اختر تا بسیاری و کمی باهم باشد و...» (همان: ۴)

تأثیر پذیری در ساختار کتاب

عنوان کتاب

در نگاه اول باید گفت که عنوان هر دو کتاب «گلستان» و «گلشن» هر دو از کلمه «گل» مشتق

هستند و هر دو باغ و بوستان را در ذهن متبادر می‌کنند. سعدی در دیباچه گلستان می‌گوید: «گفتم برای نزهت ناظران و فسحت حاضران، کتاب گلستان توانم تصنیف کردن که باد خزان را بر ورق او دست تطاول نباشد و گردش زمان عیش ربیعش را به طیش خریف مبدل نکند.» (سعدی، ۱۳۷۷: ۵۴) در جای دیگر نیز می‌گوید:

به چه کار آیدت ز گل طبقی
از گلستان من بی‌ر ورقی
گل همین پنج روز و شش باشد
وین گلستان همیشه خوش باشد
(همان)

ساختار مقدمه و متن کتاب گلشن هم از لحاظ موسیقی هم لفظ و محتوا به گلستان بسیار نزدیک است. کرمانی با تأثیرپذیری از سبک و سیاق سعدی علت نام‌گذاری کتاب گلشن را با جملات و عباراتی در قالب همان براعت استهلال بیان می‌کند و در واقع همان هدف سعدی را دنبال می‌کند: «چون روزگار ناپایدار به غفلت و بطالت درگذشت و از خویش مایه و پایه که بدان خوش‌دل توان بود حاصل نگشت لهذا از آن خوشتر ندیدم و بهتر نپسندیدم که توانگران را دست به دامن زخم و توشه برم و چشم به خرمن دارم و خوشه چینم که آن‌کس که گدا خواست توانگر گردید. مختصر خوشتر عاقبه‌الامر به مصداق «الصدق أمانة و الکذب خیانة» امانت را بر خیانت بگزیدم و بزرگان و نیکان را پیرو دانش و گزارش گردیدم و قصصی چند را که مایه عبرت و خُبرت بود، گردآورده، نگاشتم و به پاره‌ای از حکم و امثالش توأم داشتم که بزرگان راست؛ «لا تَقُلْ إِلَّا عَنِّ إِمَامٍ فَاضِلٍ» و اگر پاره‌ای از آداب و سیر نه از نص و خبر باشد، اما سزااست که از مصدر دانش آموخته‌اند و از آن تابش چراغ افروخته و هرگاه جز این دو بیانی نگاشته‌ام، صدقش دانسته و حَقِّش پنداشته‌ام» (کرمانی، ۱۳۹۰: ۳). و در طلب اغماض بر نقائص آن چنین می‌گوید: «و از آنجایی که الْحِكْمَةُ رَوْضَةُ الْعُقَلَاءِ وَ نُزْهَةُ النَّبَلَاءِ این گزارش روشن را گلشن نامیدم و نکته‌سنجان و هوشمندان را معذرت خواهم که ناپسند را خُرده نگیرند و معذرت پذیرند» (همان: ۵).

که یادآور کلام سعدی است: «اما به اعتماد سعت اخلاق بزرگان که چشم از عوایب زبردستان بپوشند و در افشای جرائم کهتران نکوشند کلمه‌ای چند به طریق اختصار از نوادر و امثال و شعر و حکایات و سیر ملوک ماضی رحمهم الله درین کتاب درج کردیم و برخی از

عمر گرانمایه برو خرج موجب تصنیف کتاب این بود و بالله التوفیق» (سعدی، ۱۳۷۷: ۵۶).

کرمانی در مقدمه گلشن با این دو بیت به نعت پیامبر پرداخته است:

خَبِيرٌ بِصِيرٍ عَلِيمٌ حَكِيمٌ سبق‌المدارک کنه بقدیم قدس کماله
عَطُوفٌ رَوْوُفٌ كَرِيمٌ رَحِيمٌ وضع‌المعالی قدره بعظیم عزّ جلاله
(کرمانی، ۱: ۱۲۹۰)

این عبارات کرمانی در مقدمه کتاب گلشن، نزدیک به شعر معروف سعدی درباره پیامبر اسلام است:

شَفِيعٌ مَطَاعٌ نَبِيٌّ كَرِيمٌ قَسِيمٌ جَسِيمٌ نَسِيمٌ وَسِيمٌ
بَلِغُ الْعَلِيِّ بِكَمَالِهِ كَشَفُ الدَّجِيِّ بِجَمَالِهِ حَسَنَتٌ جَمِيعٌ خِصَالِهِ صَلَوَا عَلَيْهِ وَآلِهِ
(سعدی، ۱۳۷۷: ۵۰)

از طرفی دیگر با دقت به شیوه تقسیم‌بندی فصول کتاب گلشن متوجه تأثیرپذیری کرمانی در شیوه چینش و تقسیم مطالب گلشن از گلستان سعدی می‌شویم: «و این دفتر مشتمل است بر دو قسمت و هر قسمتی مشتمل است بر چند گلبن و هر گلبنی در محل مناسب خود مذکور است» (کرمانی، ۱: ۱۲۹۰: ۷)

از آنجا که گلستان همان دنیای واقعی سعدی را ترسیم می‌کند، سعدی در دیباچه ضمن پیروی از سنت ادبی در بیان علت تألیف، با عباراتی زیبا در قالب براعت استهلال به محتوای کتاب و پیام‌های اخلاقی و تربیتی آن نیز اشاره می‌کند. کرمانی نیز در مقدمه کتاب تأکید دارد که گلشن را برای مباحث اخلاقی و تربیتی و عبرت آموزی نگاشته است: «دُرّجی پر گهر آوردم و برجی از اختر تا بسیاری و کمی باهم باشد و درازی و کوتاهی توأم و گاهی کوتاه افکندم و زمانی دراز راندم که آنان را که اشارتی کافی است و بشارتی وافی به اندک عبارت عبرت گیرند و باشد که نصیحت پذیرند» (همان: ۴).

معرفی نویسنده در مقدمه

سعدی در دیباچه خود را این گونه معرفی می‌کند: «ذکر جمیل سعدی که در افواه عوام افتاده

است و صیت سخنش که در بسیط زمین رفته» (سعدی، ۱۳۷۷: ۵۱). کرمانی نیز در مقدمه کتاب «گلشن» خود را این گونه معرفی می‌نماید: «بنده خاکسار رتبه روزگار را که نام رحیم است و پدر هم نام خداوند، کریم و دودمان از خاندان ابراهیم و مولد و سامان دارالامان کرمان و نسب به شرافت فاطمی و حسینی مشرف و مزین و حسَب آنکه دوستان خدا را دوست است و دشمنان خدا را دشمن» (کرمانی، ۱۲۹۰: ۶).

حکایات پردازی

گلستان، اثری تعلیمی - اخلاقی است. سعدی در قالب داستان‌ها، حکایت‌ها و تمثیل‌ها به پند و اندرز و بیان مسائل اخلاقی می‌پردازد. داستان‌ها، حکایت‌ها و تمثیل‌های گلستان از شمول و تنوع بسیاری برخوردار است. کرمانی نیز با تأثیر پذیری از سعدی، از قالب حکایت، برای بیان مفاهیم و آموزه‌های مورد نظرش استفاده کرده است و عقاید و افکار خود را در رفتار و گفتار شخصیت‌ها به تصویر کشیده و مخاطب را با خود همراه کرده است. گلشن صد و بیست و یک حکایت دارد. حکایات ترکیبی از نظم و نثرند. طول حکایت‌ها در گلشن یکسان نیست؛ برخی بسیار کوتاه و برخی طولانی‌اند. طولانی‌ترین حکایت در چهل و چهار برگ آمده است و کوتاه‌ترین آن‌ها در چهار سطر است.

کرمانی در حکایات با کلام و بیانی بسیار نزدیک به سعدی یعنی برخوردار از همان حسن ایجاز و نیز به همان شیوه سهل و ممتنع مضامین اخلاقی را عرضه می‌دارد. او با تأثیرپذیری از شیوه سعدی حکایات مختلفی را نیز در قالب تمثیل آورده است؛ از جمله:

«آورده‌اند که تنی از ملوک را دو فرزند بود و او را با پادشاهی داستان مخالفت به میان آمد در آوردگاه یکی از آن دو پسر دستگیر پادشاه دیگر شد تا به خانه اندرش به زندان فرستاد و فرمان داد ...» (همان: ۲۲۶)

«وقتی سر کم خوردن و کم خفتن داشتم و نگفتم و نشنفتن که خوردن از صفات گیاه است و خفتن پیشه حیوان و هر دو علت نقصان در فطرت انسان و بسیار شنفتن موجب غفلت و بطالت است و زیاده گفتن مایه حیرت و ملالت چنان‌که گفته‌اند:

گمان خواجه را کادمی زاده اوست که در خورد و خواب است و در گفتگوست

نبینی که در خوردن آمد گیاه
سخن گوید آن مرغک نکته‌دان
تورا آذمیت به گفتار نیست
برو ترک بیهوده گفتار کن
کم آساید آن کس که بسیار گفت
همی جانور جفت بیگانه و گاه
کند چارپا فهم نطق و بیان
به دیدار و رفتار و گفتار نیست
ز غفلت سر خفته بیدار کن
فروماند از گفت و زان پس شفت»
(همان: ۳۲۷)

مضامین مشترک

بیان سیرت پادشاهان و نصیحت آنان

به نظر می‌رسد یکی از اهداف اصلی کرمانی در نگارش گلشن، نقد صاحبان قدرت در زمان خود باشد؛ که در این مورد به باب اول گلستان نگاهی ویژه دارد. رویکرد سعدی نسبت به ساختار قدرت، مشخص است، وی با تأکید به عدالت‌محوری ملوک در صدد ایجاد تغییر در ساختار قدرت است و در نهایت جامعه ایده‌آل سعدی با برقراری عدالت در حق رعیت و تکریم و بزرگداشت شاهان محقق می‌گردد. او در حکایت پایانی باب «در سیرت پادشاهان» می‌گوید: «اسکندر رومی را پرسیدند دیار مشرق و مغرب به چه گرفتی که ملوک پیشین را خزاین و عمر و ملک و لشکر بیش از این بوده است ایشان را چنین فتحی میسر نشده؟ گفتا به عون خدای عزوجل هر مملکتی را که گرفتم رعیتش نیازدم و نام پادشاهان جز به نکویی نبردم» (سعدی، ۱۳۷۷: ۸۵).

همنشینی کلماتی مانند نام خداوند به عنوان مشروعیت الهی در کنار حفظ جایگاه قدرت که عنوان منصبی حقوقی و پاسبانی رعیت است، در واقع به زبانی ساده‌تر تأکید به برقراری عدالت است.

دید مصلحانه کرمانی نیز نسبت به سلاطین قابل توجه است. کرمانی در عین نگاه منتقدانه خود، پادشاهی را نفی نمی‌کند و در عین حال بارها به عدالت ملوک تأکید دارد و این آرمان‌ها را در قالب جملائی حکمت‌آمیز بیان داشته است.

ز من بشنو این نکته ای پادشاه
اگر خواهی افزایش ملک و جاه

مباش از پی رنجش حق‌پرست مکن کوتاه از دامن دوست دست
چنان کن که داد و کرم را سزاست مرنجان دلی را که با وی خداست
(کرمانی، ۱۳۹۰: ۳۲۷)

سعدی در گلستان، بر ضرورت تشکیل دولت عدالت‌محور و قانونمند تأکید ورزیده است. رعایت اصول و موازین اخلاقی در کشورداری هم‌چون عدالت و رعیت‌پروری، پیوندی استوار با شیوه شخصی حاکمان دارد؛ این امر در منابع دینی و تاریخی ایران نیز نمود فراوانی دارد. گلستان سعدی نیز به سهم خویش نقش عمده‌ای را در این زمینه ایفاء می‌کند. در نظر کرمانی نیز هرگونه رفتار حاکم، عوامل حکومت و صاحبان حرف، به شرط این که غفلت از خداوند نباشد و در جهت رضای حق و عطوفت بر خلق باشد شایسته و سازنده است. کرمانی، برای رسیدن به الگوی برتر حکومتی قانونمند، نگرشی اسوه‌گرا دارد و برای نشان دادن نمودار عینی آن به آموزه‌های دینی و اخلاقی تکیه می‌کند، و بر اهتمام به امور دنیا و دین تأکید می‌ورزد: «آورده‌اند که جمهور اهل آن کشور پیرو دانای مذکور بودند و در اطراف و اکناف به ورع و انصاف معروف و مشهور و چون این نصرت شامل از خدیو عادل به ظهور رسید رعیت آسوده و دل‌شاد شد و مملکت افزود و آباد کشور آرام گزید و لشکر رام گردید و دشمن پای به دامن کشید» (همان: ۳۷۱).

در گلستان و گلشن عدالت‌محوری و رعیت‌پروری مهم‌ترین رکن حکومت صالح به شمار می‌رود. «در هر جامعه‌ای با هر نظام حکومتی، افراد جامعه در هر جایگاه اجتماعی که قرار دارند، مطابق قواعد و قوانین همان نظام، دارای حق و حقوقی هستند. بنابراین برخورداری از آن حق و حقوق، عدالت و بی‌بهره شدن از آن نیز ظلم محسوب می‌شود. نتیجه اینکه همیشه عدالت در برابر ظلم قرار دارد. و ظلم می‌تواند به شکل‌های مختلف در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی صورت گیرد» (ظهیری ناو، پاک مهر، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

سعدی و کرمانی در سخنان و حکایات خود به اصل عدل و عدالت و جلوه‌های آن در جامعه بسیار اشاره کرده‌اند و هدف آنها، این است که پادشاه و یا امیر و حاکم و سلطان را نصیحت کنند و او را به امور دنیوی و تدبیر شئون ملک‌داری و رعیت‌نوازی آشنا کنند. این بارگه که خرگه اجلال خسروی است فردا ندانمش که نشیند فراز گاه

این بی‌بها گهر که تو را زیب افسر است
هم خوابه‌ای که هست تورا یار و هم نفس
باری به عدل کوش در این پنج‌روزه عمر
این مشت حق‌پرست که رو بر خدا کنند
نی سروری بدینان گیرد همی زوال
اکرام چون نیاری آزارشان مجوی
باشد که استوار بمانی به ماه و سال

یارب که خواهدش که کند زیور کلاه
در بر که گیردش شب دیگر به خوابگاه
و آزرده‌گی مجوی و ستم‌پیشگی مخواه
آن دم که جز آله نبینند کس پناه
نی کار ملک ز ایشان گردد همی تباه
ناری چو لطف باری از کینشان مکاه
شاید که ننگ و عار نیابی به سال و ماه
(همان: ۲۰۸)

اهمیت و ارزش پند و اندرز

سعدی به مدد نبوغ ذاتی و هنری‌اش به جایی رسیده بود که در هر ذره عالم، حکمتی و عبرتی می‌دید و از آنجا که علم و تجربه را با هم فراهم کرده بود نسبت به روزگار خویش و مردمانش احساس مسئولیت می‌نمود. او در آثار خویش با نشان دادن طریق خطا و صواب آدمیان را به تفکر و تدبیر فراخوانده و در این مسیر بر مسند پند و اندرز تکیه داده است. از دیدگاه سعدی نصیحت‌پذیری طریق رستگاری است: «هر که خود را نصیحت نکند به نصیحت دیگران محتاج است» (سعدی، ۱۳۷۷: ۱۸۹).

پند و اندرز در گلشن نیز از دامنه‌ای بسیار گسترده برخوردار است. عنوان گلبن چهارم از قسم دوم «در ذکر برخی از نصایح و مواعظ» است و همه عناوین فرعی این قسمت با عنوان «نصیحت» مشخص شده است. کرمانی مانند سعدی از دو شیوه تمثیل و سخنان حکیمانه برای بیان پند و اندرز استفاده کرده است. این امر بی‌گمان ریشه در تفکرات دینی نویسنده دارد چنانکه بسیاری از سخنان وی ریشه در آیات، احادیث و روایات دارد و در واقع در بسیاری از اوقات کرمانی کوشیده است، با داستان‌پردازی و یا استفاده از بیان سحرانگیز مفاهیم عالی دینی و اخلاقی را به مخاطب عرضه نماید. او نیز همچون سعدی به اهمیت نصیحت واقف است: «آنان را که اشارتی کافی است و بشارتی وافی به اندک عبارت عبرت گیرند و باشد که نصیحت پذیرند و آنان را که نه این‌سانند شرح و بسط سخن سود فزاید» (کرمانی، ۱۳۹۰: ۵).

تقیح و مذمت دنیا

سعدی همچون بسیاری از شاعران و نویسندگان ادب فارسی به ناپایداری دنیا، کوتاهی عمر و تکیه نکردن بر ایام اعتقاد دارد. در برابر مرگ، دنیا و مافیها، هیچ است. چند روزی دنیا نوبت ماست و بزودی نوبت دیگران فر خواهد رسید پس:

یار ناپایدار دوست مدار دوستی را نشاید این غدار
(سعدی، ۱۳۷۷: ۵۲)

مکن تکیه بر ملک دنیا و پشت که بسیار کس چون تو پرورد و کشت
(همان: ۵۹)

«حکیمی پسران را پند همی داد که جانان پدر هنر آموزید که ملک و دولت دنیا اعتماد را نشاید و سیم و زر در سفر بر محل خطر است...» (همان: ۱۵۴).

دنیا در نظر کرمانی نیز به اندازهٔ بال پشه ارزش ندارد، به همین دلیل شایستهٔ دل بستن نیست. «اگر دنیا به نزد خدا در نکویی با بال پشه‌ای برابر بود خداوند در وی کفار را به شربت آبی نمی‌بخشود» (کرمانی، ۱۲۹۰: ۲۲).

ثروت دنیا نمی‌ارزد به هیچ روی از آن برتاب و در دنیا مپیچ
گر جهان را نزد حق مقدار بود ناکسش کی قفل دولت می‌گشود
(همان: ۲۳)

کرمانی تعجب خود را از انسان که بی‌وفایی دنیا و مرگ هم‌نوعانش را می‌بیند اما عبرت نمی‌گیرد؛ در قالب حکایت زیر بیان می‌کند:

«عیسی بن مریم - علی نبینا و آله و علیه‌السلام - را دنیای فسونگر در صورت سالخوردی عجزه به نظر درآمد چنان‌که دندان‌هایش ریخته و خود را با هر گونهٔ آرایش برانگیخته بود. فرمود به چندین کس شوهر یافته؟ گفت: احصا نتوان کرد. فرمود: همی درگذشتند یا تو را واگذاشتند؟ گفت: بل همه را هلاک کردم. فرمود: وای بر حال شوهران به‌جا مانده‌ات، تو را می‌بینند به هر روزه تنی را می‌افکنی و ضرر نمی‌جویند و عبرت از حال گذشتگان نمی‌گیرند در خبر است که: «اتَعظُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ كَانَ بَعْدَكُمْ»

عبرت از حال رفتگان گیرید پیش کآیندگان با خبرت

عبرت از سرگذشت ما گیرند که بمردیم از پی عبرت

(همان: ۷۳)

کرمانی جهان را سست عهد و سفله طبع می داند و بی اعتباری نعمت و عیش و نوش آن را بخوبی از طریق این تمثیل نشان می دهد: « برخی از دزدان متفق گشتند که خزانه پادشاه را به سرقت برند، رخنه بزدند و از زیر دیوار اندر شدند و متاعها یافتند که هرگز نیافته بودند و در آن میانه سبویی بزرگ از زر بود و به زرین مهر مختوم. گفتند: در این میان ازین سبو بهتر نباشد که از زر ساخته اند و آنچه در آن اندر است البته از این همه متاع خوشتر است. و وی را برگرفته به سوی نیستانی رفته، مراقب بودند که مباد برخی از ایشان به خیانت خیزند. چون بگشودند، اژدری چند بر ایشان حمله ور گشته و همگی را کشته، همان آرزو به دل بردند و به حسرت مردند.

این قیاس از نعمت دنیا شناس این جهان است آن خزینه پر ز مال چشم دل بگشا به عبرت زین قیاس
وان سبویش عیش و عشرت را مثال کش عیان باشد بسی آراسته
وز درون وی بلاها خواسته

(همان: ۲۲۳)

بزرگداشت عقل و تاکید بر خردورزی

عقل و خردورزی از مفاهیم مهم و محوری آثار سعدی به ویژه گلستان است؛ بسیاری از پندها و راهکارهایی که سعدی در لابه لای حکایات گلستان بیان می کند، بر مدار عقل و خردورزی و استوار است. سعدی با تاکید بر عقل و خرد، حکمت عملی و اخلاق فردی را تعلیم می دهد. «ملک از خردمندان جمال گیرد و دین از پرهیزگاران کمال یابد پادشاهان به

صحبت خردمندان از آن محتاج ترند که خردمندان به قربت پادشاهان

پندی اگر بشنوی ای پادشاه در همه عالم به از این پند نیست
جز به خردمند مفرما عمل جز چه عمل کار خردمند نیست»

(سعدی، ۱۳۷۷: ۱۷۰)

کرمانی خردمند را چنین معرفی می کند: «خردمند آن است که تجارب روزگارش باعث

و اعتبار است» (کرمانی، ۱۳۹۹: ۲۶۴) و «خردمند آن است که خواهش خود را در فرمان برداری باری عصیان کند و جاهل آن که به عکس نماید» (همان: ۲۶۷). و شاخص خردمندی از دیدگاه او: «از خردمندی مرد آن است که سخن نگوید، جز بدان چه علم وی آن را فرا گرفته» (همان: ۲۷۵). او در نصیحت به مخاطب از شاخص عقل و خرد بهره می‌جوید: «شرافت به خردمندی است و ادب نه توانگری و نسب» (همان: ۱۷۰) و اینگونه خردمند و نادان را در مقابل هم قرار می‌دهد: «خردمند پستی گزیند و بلند گردد و نادان بلندی جوید و پست آید.» (همان: ۲۶۲) و «خردمند کسی است که اندازه خویش را بشناسد و نادان نه‌چنان است» (همان: ۲۶۴) و کرمانی، عقل و نفس را در تقابل هم می‌داند و بر این اعتقاد است که در سایه هدایت خرد می‌توان بر نفس چیره شد: «به‌درستی که در مردم خواهش‌های نفسانی و هواهای دگرگون است و پیوسته خرد و خواهش در دل انسان به خصومت و عدوان است، پس اگر خواهش نفس دغل بر خرد غالب شود قبول حق ننماید و از جای به درآید و سفاهت و تندى و رزد و اگر سلطان عقل بر شهوت نفس غالب و قاهر خواست حق را دریابد و گرد لغزش و خطا نگردد» (همان: ۲۰۳)

نتیجه‌گیری

محمدرحیم کرمانی از شاعران و نویسندگان قرن سیزدهم هجری، در نگارش کتاب گلشن خود از سعدی بسیار الهام گرفته است. پرهیز وی از تکلف و تصنع و در عین حال تسلط او بر زبان فارسی و موجزگویی در این اثر کاملاً محسوس است؛ هرچند گاهی ایجاز و اختصار کلام سعدی در کلام و سخن کرمانی دیده نمی‌شود. وی در متن کتاب گلشن از کاربرد اصطلاحات و عبارات پیچیده و غامض دوری جسته است. متن کتاب گلشن مانند گلستان تلفیق و ترکیبی از نثر و نظم است؛ سعدی بدون هیچ عنوانی نظم و نثر را در هم آمیخته است اما کرمانی با عناوین «نظم، رباعی، فرد، تمثیل» بخش نثر را از نظم جدا کرده است.

پیروی از سبک سعدی و استفاده از نثر موزون و مسجع با نگاهی هنری، خلأقانه و ادیبانه انجام شده و استفاده از سجع و آرایه‌ها و تشبیهات بر پایه معیارهای فصاحت و بلاغت شکل

گرفته است. سعدی و کرمانی هر دو به زبان عربی تسلط و آشنایی داشته‌اند و کلام وحی و احادیث نبوی از منابع الهام‌بخش آن‌ها بوده است. کرمانی به تبعیت از سعدی، سعی نموده تا ارکان جمله را در جای اصلی خود قرار دهد و به همین دلیل، فهم جملات گلشن بسیار ساده است. کرمانی با تأثیر پذیری از سعدی، از قالب حکایت، برای بیان مفاهیم آموزشی استفاده کرده است. در این حکایات هر دو نویسنده از شخصیت‌های تاریخی و دینی نام برده‌اند، اما با توجه به مذهب کرمانی، از امامان شیعه در گلشن بیشتر نام برده شده و حکایات زیادتری از آنان نقل شده است. گلشن مضامین مشترک زیادی نیز با گلستان دارد که از آن جمله می‌توان به نصیحت پادشاهان، بزرگداشت عقل و تاکید بر خردورزی، تقبیح و مذمت دنیا و اهمیت و ارزش پند و اندرز اشاره کرد.

بطور کلی کرمانی در گلشن هم از جهت هنرنمایی در نثر و مراعات نظم و آهنگ در آن و استحکام انشا و هم در طرز تالیف کتاب خود و بیان مطالب و موضوعات، به مقام و مرتبه سعدی نرسیده و موفقیت او را به دست نیاورده است.

منابع

کتاب‌ها

۱. قرآن کریم
۲. بهار، محمدتقی (۱۳۶۸) *سبک‌شناسی*، ج ۳ و ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳. خزائلی، محمد (۱۳۶۳) *شرح گلستان سعدی*، چاپ پنجم، تهران: جاویدان.
۴. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۷۷) *گلستان*، تصحیح غلامحسین یوسفی، چاپ پنجم، تهران: خوارزمی.
۵. کرمانی، محمدرحیم (۱۲۹۰) *نسخه خطی گلشن*، تهران: کتابخانه مجلس اسلامی.
۶. مشکور، محمد جواد (۱۳۸۷) *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد: پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۷. همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۸). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، چاپ ۸، تهران: هما.

مقالات

۸. دهنمکی، زکیه، خدایاری، مصطفی (۱۳۹۵) *بررسی تطبیقی عناصر داستانی گلستان سعدی و روضه خلد مجد خوافی*، فصلنامه زبان و ادب فارسی، دوره ۸، شماره ۲۸-۲۹، صص ۶۵-۱۰۰.
۹. صیادکوه، اکبر (۱۳۹۰). *سفارش‌های عنصرالمعالی در آیین شعر و شاعری*، آویزه گوش سعدی». کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی، ش ۲۲، صص ۷۹-۱۰۴.
۱۰. ظهیری ناو، بیژن، پاک مهر، عمران (۱۳۸۷) *اندیشه‌های سیاسی و حکومتی سعدی در بوستان و گلستان*، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۵۸، صص ۹۹-۱۲۲.
۱۱. علامی، ذوالفقار. کیانیان، فریبا (۱۳۸۹) *مقایسه سبکی منشیات قائم مقام و گلستان سعدی*، مجله فنون ادبی، دوره ۲، ش ۱، صص ۸۹-۱۱۰.
۱۲. مظفری، علیرضا، گودرزی، رقیه (۱۳۸۷) *بررسی و مقایسه محتوایی و بلاغی بهارستان جامی با گلستان سعدی*، مجله بهارستان سخن، ش ۱۱، صص ۷۵-۵۰.

۱۳. منزوی، احمد (۱۳۵۲) تتبع در گلستان سعدی، نشریه وحید، ش ۱۱۹، صص ۸۶۶-۸۷۰.
۱۴. نورایی، الیاس (۱۳۹۳) تحلیل محتوایی و ساختاری مقامات حمیدی و گلستان سعدی و واکاوی ریشه‌های آن دو در ادب عربی، فصلنامه کاوش نامه ادبیات تطبیقی، دوره ۴، ش ۱۴، صص ۱۴۱-۱۶۳.



Kermani's Golshan another imitation of Saadi's Golestan

Seyed Yaghoub Hosseini¹, Dr. Maryam Mahmoudi², Dr. Parisa Davari³

Abstract

There are valuable works in Persian literature whose purpose is to guide man and pave the way for a healthy and better life. Writers and poets have always strived to express ethical principles and concepts in a beautiful and effective language. As a moral teacher, Saadi has sought to warn people of their ignorance and show them the right path. Therefore, his works have always attracted the attention of Persian writers and poets. Mohammad Rahim Kermani, a thirteenth-century writer and poet, also influenced Sa'adi's themes and method in Golshan's book. This descriptive-analytical study has introduced a linear version of Golshan and has compared its aspects with Sa'adi's Golestan. The results show that following Saadi's style in Golshan is done artfully, creatively and literally and the use of rhetoric and arrays and similes is based on eloquence and rhetoric. The Word of Revelation and prophetic hadiths are one of the sources of inspiration in Golestan and Golshan. Kermani has tried, by storytelling or using magic as Saadi's, to convey the sublime concepts to the audience. Golshan's common themes with Golestan are: thanksgiving, the Prophet's prayer, mindfulness, avoidance of anger and jealousy, justice and kingly admonition.

Keywords: Saadi, Mohammad Rahim Kermani, Golshan, Golestan, Imitation

¹ . PhD Student in Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

² . Associate Professor of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran. (Responsible author)

³ . Assistant Professor of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.